

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«حقوق کودک»

مدرس: راضیه بداغی

بهمن ۱۳۹۸

تعاریف واژه ها:

واژه ها از جمله: حق/حضانت/کودک/قانون

حق: به مجموعه ای از اختیارات / امتیازات که به ما اجازه انتخاب می دهد که یک کاری را انجام دهیم و یا انجام ندهیم.

حضانت: سرپرستی/نگهداری / والدین مکلف هستند از کودک نگهداری کنند نوعی از حق کودک می باشد.

نکته: حضانت تا سن ۷ سالگی کودک چه دختر/چه پسر با مادر است پس اولویت با مادر می باشد در بحث حضانت کودک، زمانی که پدر و مادر از هم جدا باشند.

نکته: اگر مادر طی این مدت ازدواج کند سلب می شود حضانت او پس در نتیجه مادر طی این ۷ سال اجازه ازدواج ندارد.

نکته: سرپرستی کودک توسط پدر و مادر و شخصی که قانون گذار حق حضانت را می دهد قانونی است حضانت و جزء حق محسوب می شود.

نکته : اگر بعد از ۷ سالگی پدر فرزند فوت کرد حضانت همچنان نزد مادر باقی می ماند.

نکته: اگر بعد از ۷ سالگی پدر فرزند را نخواهد نمی تواند دیگر از مادر طلب کند فرزند و نزد مادر باقی می ماند.

نکته: حضانت سرپرستی که حق محسوب می شود قانونی و قابل واگذاری

نکته: قانون مکمل حق است.

تعریف شخصی که نیازمند شخص دیگر است : به ۲ دسته تقسیم می شوند: سفیه یا مجنون

سفیه: کسی که ساده است/ توی امور مالی اجازه فعالیت ندارد مگر مالی بهش حبه یا همان هدیه بشه

مجنون:

۱. ادواری: دوره ای دچار مشکل می شود.

۲. دائمی: مداوم حالت دیوانگی دارد و کلی دچار مشکل است.

مجنون ادواری_ روزی که حالش خوب باشد معاملات قابل قبول محسوب می شود، روزی که حالش خوب نیست معاملات غیرقابل قبول محسوب می شود.

نکته: حضانت قانونی فرق دارد با حضانت مربی/ مدیر مدرسه /یا مهد چون حضانت مربی /مدیر/مهد به طور موقت صورت می گیرد.

- حق حضانت یا حق سرپرستی

حق تقدم با مادر می باشد.

۲ تعارض به وجود می آید قانون گذار در باره حضانت گفته باشد قابل واگذاری است حضانت اولویت با مادر اما پدر هم حق دارد جد پدری و کسانی که قانون گذار در نظر می گیرد.

نکته: ماده ۱۲ قانون خانواده سال ۹۲ حمایت خانواده در ارتباط با حضانت، اگر حضانت قرار شود فرزندان نزد مادر یا فرد دیگری بمانند فقط به مادر ختم نمی شود.

گرفتن فرزندان در برابر مهریه - حق واگذاری

نکته: پدر بچه نمی خواهد/ مادر هم بچه نمی خواهد/ در دعوای خانوادگی در این صورت قانون گذار تشخیص چه راهکاری را می دهد؟ به کس دیگری واگذار می کند ولی هزینه نگهداری در هر حالت با پدر است. جزء وظایف پدری است.

ارث چیست؟ ارث مالی است که بعد از فوت شخص به بازماندگان و وارثان خود او تعلق می گیرد در تقسیم آن قواعد و مقرراتی قانونی است که باید رعایت شود. انتقال قهری حقوق و دارایی متوفه به ورثه او

ترکه عبارت است از کلیه اموال و حقوق مالی که پس از فوت به وارث تعلق می گیرد.

نفقه چیست؟ هزینه ها خرج روزانه و اصطلاح عامیانه خرجی می باشد. نفقه شامل به طفل و همسر نفقه طفل مسکن/غذا/پوشاک / اثاث و البته به اندازه رفع نیاز، نفقه همه نیازهای

معمول و قابل قبول یک شخص را برآورده کنند برای گذراندن امور زندگی در تعیین نفقه استطاعت مالی شخص پرداخت کننده ی نفقه در نظر گرفته می شود.

تعریف مفهوم کودک

از نظر عرف دوره کودکی پس از نوزادی شروع و تا رسیدن به سن قانونی ادامه میابد . حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را عرف عام دوره کودکی میگویند . کودکی دوره ای است که به هر انسانی خواهد گذشت آغاز آن هنگامه ولادت و پایان آن رسیده به حد بلوغ است .

کودک در حقوق ایران

اصولاً وجود شخص طبیعی از لحاظ حقوقی با تولد او آغاز می شود و از این تاریخ است که انسان , طرف حق قرار می گیرد و از حقوق مدنی و سایر حقوق بر خوردار می گردد. ممکن است جنین از لحاظ زیست شناسی موجود مستقلی به شمار آید و شخص محسوب گردد, اما از نظر حقوقی تا هنگامی که زنده به دنیا نیامده است , شخص مستقلی به شمار نمی آید و نمی تواند دارنده ی حق و تکلیف باشد با وجود این در صورتی که مصلحت اقتضا کند , ممکن است جنین حتی قبل از تولد دارای حق گردد, مشروط بر اینکه زنده به دنیا آید.

کودک یا صغیر در اصلاح حقوقی به کسی گفته میشود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد .

مطابق ماده ۱۲۰۱ قانون مدنی : اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند.

۱- صغار

۲- اشخاص غیر رشید

۳- مجانین

بنابراین می بینیم که از نظر حقوقی , کودک از کلیه ی حقوق مدنی برخوردار است و از این جهت فرقی با بزرگسال ندارد اما قانوناً نمیتواند حق خود را اعمال و اجرا کند . کودک از حقوق سیاسی برخوردار نیست.

شروع کودکی

چون حیات واقعی با تولد شروع می شود بنابراین دوران کودکی هم با تولد آغاز می شود. ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر می دارد (اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع وبا مرگ او تمام می شود)

اما نبایستی فراموش کرد که کودک قبل از آنکه متولد شود , یعنی در حالی که جنین است , هم دارای حیات است و بدین جهت شایسته است که مورد حمایت مقنن قرار گیرد تا حقی از کودکی که در آینده متولد خواهد شد , تضییع نشود و بدین اعتبار شاید بتوان ادعا کرد که شروع کودکی در واقع از تاریخ انعقاد نطفه است زیرا از این زمان که کودک به عنوان موجودی زنده و مستقل از پدر و مادر مورد توجه مقنن قرار گرفت و برای او حقوق و تکالیفی مقرر می شود .

پایان کودکی

قانون مدنی در تبصره ی ۱ ماده ی ۱۲۱۰ که در سال ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده ,اعلام داشته است :

اول _بلوغ : بلوغ در لغت به معنی رسیدن به امری است ودر اصطلاح فقهی بلوغ زمانی است که قوای جسمی صغیر نمو می کند و آماده توالد وتناسل می شود .بلوغ به یکی از سه امر شناخته می شود :

۱-رویدن موهای خشن بر پشت آلت تناسلی

۲-خروج منی

۳-سن، وآن پانزده سال تمام قمری در پسر و نه سال قمری در دختر است .

هر یک از این سه امر که در صغیر موجود شود بالغ شناخته می شود .حیض و حمل در زن بلوغ نیست بلکه کاشف از آن است که قبلا بالغ شده است .

دوم _رشد : شرط دوم برای ختم وپایان یافتن صغیر ,رشد است .رشد در لغت به معنی هدایت است و آن حالتی است در انسان که مانع ازتضییع مالدو صرف آن در راه های غیر

عقلای می شود. اشتباه شخص در بعضی موارد و گول خوردن به طور نادر منافات با رشد ندارد.

هر چند حقوق افراد در حقوق ایران قبل از تولد و از تاریخ انعقاد نطفه مورد توجه قرار گرفته است و این ملاحظات از لحاظ تاثیراتی که بر حقوق کودک بعد از تولد دارد, بسیار مهم است اما آنچه که ما در این پژوهش بدان خواهیم پرداخت, ساز و کارهای پیشگیری از کودک آزاری در قوانین موضوعه ایران است که بیشتر ناظر به بعد حمایت های قبل از تولد نیست .

قانون مدنی گفته است که وقتی پسر به ۱۵ سال تمام قمری و دختر به ۹ سال قمری رسید از لحاظ قانون بالغ است .

بدین سان بلوغ شرعی, مبنای اصلی تعریف طفل در بعد از انقلاب محسوب می شود . نشانه ی شرعی وقانونی بلوغ رسیدن به سن معینی است که میتوان آن را اماره ی بلوغ دانست .

حقوق بنیادین کودک

با مطالعه مجموع اسناد بیت المللی ناظر بر حقوق کودک می توان حقوق بنیادین کودک را از راه قیاس استقرای شامل موارد زیر دانست :

- حق زیستن(حق حیات)
- حق داشتن نام
- حق بهره مندی از خانواده
- حق داشتن تابعیت دولت خاص
- بهرمندی از هویت ملی ,قومی ومذهبی
- حق بهره مندی از آموزش و پرورش
- حق بهره مندی از بهداشت و تغذیه
- حق برخورداری ار امنیت جسمانی و روانی و داشتن رشد و شکوفایی استعدادهای طبیعی

- حق برخورداری از امنیت اجتماعی

- حق مشارکت در امور اجتماعی

- حق بهره‌مندی از مکانیسم‌های اجتماعی برای استناد به حقوق خود همانند حق دادخواهی نزد نهادهای دادگستری

- حق برخورداری از محیط زیست سالم و طبیعی

حق زیستن به عنوان بنیادین‌ترین حق کودک در بند (۱) ماده (۶) کنوانسیون حقوق کودک به رسمیت شناخته شده است : دولت‌های عضو این نکته را به رسمیت می‌شناسند که هر کودک حق ذاتی زندگی دارد و در بند دوم همان ماده بر دوام حق زندگی به عنوان حق مستمر تأکید شده است : دولت‌های عضو باید تا حداکثر ممکن بقاء و رشد کودک را تضمین نمایند .

ثبت ولادت پس از تولد اولین عاملی که موجب تمایز طفل در خانواده و اجتماع می‌

شود (نام) وی است، به عبارت دیگر والدین می‌بایستی برای طفل خود نامی انتخاب کنند و آن را رسماً به ثبت برسانند.

اشخاصی که مکلف به اعلام ولادت هستند _طبق ماده ی ۱۶ قانون ثبت احوال اعلام و امضای سند ثبت ولادت به تربیت به عهده ی اشخاص زیر است :

۱- پدر

۲- مادر _در صورت غیبت پدر و در اولین موقعی که قادر به انجام این وظیفه باشد .

۳- جد پدری

۴- هر کسی از طرف دادگاه به عنوان قیم یا امین یا وصی تعیین شده است .

۵- اشخاصی که قانوناً عهده دار نگهداری طفل هستند.

۶- متصدی یا نماینده ی موسسه ای که طفل به آنجا سپرده شده است .

در صورتی که هیچ یک از افاد فوق به تکلیف قانونی خود در خصوص ثبت ولادت طفل عمل نکرده باشند، وقتی طفل به سن رشد برسد می بایستی شخصاً مراتب را به اداره ی ثبت احوال اعلام و شناسنامه دریافت کند .

اگر طفل در مکانی متولد شود که خروج از آن ممنوع یا محتاج به اجازه ی مخصوص باشد نظیر ندامتگاه، کانون اصلاح و تربیت و غیره، متصدیان این سازمان طبق تبصره ی ماده ۱۸ قانون ثبت احوال مکلف به اطلاع واقعه ی تولد طفل و ایجاد تسهیلات لازم برای انجام وظایف صاحب واقعه می باشند.

نحوه ی ثبت ولادت _طبق ماده ۱۳ قانون ثبت احوال، ولادت واقع در ایران توسط نماینده ی یا مامور ثبت احوال و ولایت واقع در خارج از کشور توسط ماموران کنسولی ایران در سند مخصوص ولادت به ثبت می رسد . در سند ولادت باید اطلاعات زیر قید شود .

۱- ساعت، روز، ماه، سال و محل ولادت و تاریخ ثبت آن .

۲- نام و نام خانوادگی، و جنس طفل و در صورت امکان گروه های اصلی خون او .

۳- نام و نام خانوادگی، شغل، شماره ی شناسایی یا شماره ی پروانه ی اقامت، محل صدور شناسنامه یا پروانه ی اقامت و محل اقامت پدر و مادر.

۴- نام، نام خانوادگی، شغل، محل اقامت، شماره ی شناسایی و محل صدور شناسنامه اعلام کننده، اعلام کننده، در صورتی که غیر از پدر و مادر طفل باشد .

۵- نام، نام خانوادگی، شغل، شماره ی شناسایی، محل صدور شناسنامه و محل اقامت گواهان .

۶- نام، نام خانوادگی، امضای نماینده یا مامور و مهر ثبت احوال .

۷- شماره و سری برگ مخصوص ثبت ولادت

۸- محل توضیحات

احوال شخصیه کودک

الف _ هویت کودک

حق زیستن به عنوان سرآغاز حقوق بنیادین کودک در حقوق بین الملل به رسمیت شناخته شده است . برای اعمال این حق در جهت رشد و بالندگی شخصیت کودک از حیث تمامیت جسمانی و نیز تمامیت معنوی شرایط دیگری هم لازم است که در سطور آتی بدانها خواهیم پرداخت . از جمله این بایسته ها حق کودک بر داشتن نام و تابعیت خاص می باشد .

ب _ تابعیت کودک

درباره تابعیت کودک ذکر دو نکته ضروری است : نخست بحث از لزوم یا عدم لزوم وجود تابعیت واقعی برای کودک و دوم عکس مورد نخست یعنی پدیده بی تابعیتی برای کودکان است . در اینجا لازم است ابتدا تابعیت را تعریف کنیم و سپس آثار آن را نسبت به کودکان بررسی نماییم.

اصولا حقوق بین المللی تابعیت را تعریف نمی کند و آن را یک مسله مربوط به حقوق ملی می انگارد . کنوانسیون ۱۹۳۰ لاهه در مورد مسایل خاص تعارض قوانین تابعیت در ماده نخست خود مقرر می دارد : هر دولتی می تواند مطابق قوانین خود تعیین کند که چه کسی تبعه او است . این قانون تا آنجا که مطابق معاهدات بین المللی ، عرف بین الملل و اصول کلی حقوق باشد ، از سوی سایر دولت ها به رسمیت شناخته می شود. اما در دکترین حقوق بین الملل به نوشته پرفسور هانس

کلسن ، تابعیت عبارت است از وضعیت حقوقی یک فرد که به موجب قانون به یک دولت خاص تعلق یابد یا مجازا عضو یک جامعه خاص باشد . وابستگی به دولت یا جامعه خاص می تواند قهری یا اختیاری باشد . یعنی شخص بدون اعمال اراده به شکل طبیعی تابع یک دولت خاص قلمداد شود . مثلا از راه تولد در قلمروی سرزمینی آن دولت یا تولد از والدینی که هر دو یا یکی از ایشان تابعیت آن دولت را دارا باشند . به عبارت دیگر تابعیت قهری مبتنی بر یکی از دو سیستم خاک یا سیستم خون است . در خصوص کودکان نوع اول یعنی تابعیت قهری خواه با سیستم خاک و خواه با سیستم خون شایع و رایج است . ولی اینکه آیا کودکی حق اکتساب تابعیت دولت خاصی را به اراده خود داشته باشد ، محل تامل است .

ج _ اقامتگاه کودک

حقوق بین الملل اقامتگاه کودک را اقامتگاه والدین یا سرپرست او می داند . در حقوق ایران هم به موجب ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی ، اقامتگاه صغیر و محجور همان اقامتگاه ولی یا قیم آنها است . علی الاصول اقامتگاه بر دو گونه است : نخست اقامتگاه اصلی و دوم اقامتگاه انتخابی . مطابق حقوق انگلستان اقامتگاه اصلی همان محل تولد کودک است و قبل از رسیدن به سن قانونی صغیر حق تغییر اقامتگاه خود را ندارد و نمی تواند اقامتگاه انتخابی داشته باشد . زیرا انتخاب اقامتگاه منوط به اعمال اراده است و کودک پیش از سن کبر از خود اراده مستقل ندارد .

اقامتگاه انتخابی به محض ترک محل از میان می رود . ولی اقامتگاه اصلی هرگز از بین نمی رود . بلکه با انتخاب اقامتگاه جدید به حالت تعلیق در می آید و با ترک اقامتگاه انتخابی ، اقامتگاه اصلی مجددا حیات تازه می یابد . پدر کودک و در صورت فوت او مادر کودک می توانند برای او اقامتگاه انتخابی برگزینند .

فرزند خواندگی

فرزند به کسی اطلاق می شود که با والدین خود رابطه ی خونی نسبی داشته باشد ، اگر تولد کودک ناشی از رابطه نا مشروع و قانونی والدین باشد (فرزند قانونی) و در غیر این صورت (فرزند طبیعی) یا (فرزند نامشروع) خوانده می شود.

گاهی ممکن است افرادی تحت تاثیر عواملی از قبیل نداشتن اولاد ، کمک به هم نوع ، حمایت از اطفال یتیم و ... کودکانی را به عنوان فرزند بپذیرند و متعهد شوند که همانند فرزند واقعی خویش با آنان رفتار کنند ، به این عمل اصطلاحا (فرزند خواندگی) گویند .

رابطه ی (فرزند خواندگی) و ضوابط ایجاد آن و تکالیف والدین کودک ، طبق قوانین مشخص و معین می شود .

فرزند خواندگی در ایران

در قوانین ایران فرزند خواندگی وجود ندارد ، علت این امر را باید در فقه اسلامی که ریشه در مبنای قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران جستجو کرد .

قران کریم در سوره ی احزاب آیات ۵ و ۶ صراحتا فرزند خواندگی را رد کرده است . با این ترتیب می بینیم که هر چند در اسلام سرپرستی از یتیمان ، تکفل و نگهداری اطفال بی

سرپرست امری خداپسند تلقی شده است و مورد تاکید است اما به حکم نص صریح بین طفل و خانواده ای که سرپرستی او را بر عهده گرفته ، هیچ گونه قرابتی ایجاد نشده و در بر گیرنده ی آثاری از قبیل حرمت نکاح ، روات ، الزام به انفاق و ... نیست و صرفا امری اخلاقی و تعهدی انسانی تلقی می شود.

قانون مدنی ایران به پیروی از فقه اسلام فرزند خواندگی را به رسمیت نشناخته است زیرا مقنن واهمه داشته یا ارج نهادن به چنین رابطه ای به اساس ازدواج و تشکیل خانواده که در قانون مدنی تنها وسیله ی تحصیلی فرزند است ، سوداگرانی را به طمع کسب درآمد تشویق به خرید و فروش اطفال کند زیرا هیچ کس نمی تواند ادعا کند که تنها نیازهای عاطفی یا خیر خواهی و نوع دوست انگیزه ی پذیرفتن کودکان بی سرپرست است . پاره ای مردم میخواهد بدین وسیله از دادن مالیات بگریزند و جمعی دیگر بیشتر در پی خدمتکار یا پرستار دلسوز و خانگی هستند و برخی دیگر از وجود چنین اطفالی برای مقاصد غیر مشروع استفاده می کنند و خلاصه فرزند خواندگی را سرپوش و بهانه ای مناسب برای اهداف خود می یابند و پدران و مادران هم که نیاز مادی دارند با در اختیار گذاردن کودکان خود درآمدی تحصیل می کنند . بنابراین اساسا فرزند خواندگی بدان مفهومی که در قوانین کشورهای غربی وجود دارد در قوانین ایران نیست .تنها استثنا بر این قاعده ماده واحده ی قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم است که در سال ۱۳۱۲ به تصویب رسید و به موجب بند ۳ ماده واحده ی فوق الذکر ، در مسائل مربوط به فرزند خواندگی عادت و قواعد مسلمة و متداوله در مذهبی که پدر خوانده یا مادر خوانده پیرو آن است می بایستی مراعات شود .

زن و شوهر داوطلب سرپرستی علاوه بر آنکه می بایستی مقیم ایران باشند ، طبق ماده ی ۳ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست می بایستی حائز شرایط زیر باشند :

الف_ پنج سال تمام از تاریخ ازدواج آنها گذشته و از این ازدواج صاحب فرزند نشده باشند.

ب_ سن یکی از زوجین حداقل ۳۰ سال تمام باشد.

ج_ هیچ یک از زوجین دارای محکومیت جزائی موثر به علت ارتکاب جرائم عمدی نباشند.

د_ هیچ یک از زوجین محجور نباشند .

هـ_زوجین دارای صلاحیت اخلاقی باشند.

و_هیچ یک از زوجین مبتلا به بیماری واگیر و صعب العلاج نباشند .

ح_هیچ یک از زوجین معتاد به الکل یا مواد مخدر و سایر اعتیادات مضر نباشند.

کودک و حق آموزش و پرورش

آموزش کودکان پیشینه ای تاریخی به قدمت تمدن های بشری دارد .به طور کلی از دیدگاه تاریخی آموزش کودکان را می توان به دو بخش آموزش عملی و نظری تقسیم کرد.

در تمدن های کهن به ویژه در نظام های کاستی رسم بر این بود که کودک کار و پیشه پدران خود را فراگیرد و دنبال روی آنان در تامین معاش خانواده باشد . این امر کماکان تا زمان حاضر در جوامع سنتی مرسوم است . فرزندان هر صنفی از اصناف کشاورزان , پیشه وران , بازرگانان و سپاهیان تنها پیش پدران خویش را فرا می گرفتند و معمولاً فرزندان یک صنف و طبقه حق فراگیری حرفه طبقه دیگر را نداشتند .

اما آموزش نظری شامل خواندن و نوشتن و حساب سیاق و یادگیری متون دینی می شد . در فلسطین باستان عبرانیان به کودکان خود در خانه الفبا ی عبری می آموختند .گر چه زبان گفتاری آنان آرامی بود ولی برای خواندن تورات و سپس در عصر مسیحیت برای خواندن تورات وانجیل و یادگیری اشعار مذهبی این امر را لازم می دانستند .تربیت بدنی و سپس در سطحی بالاتر یادگیری احکام دینی و تلمود هم بدان افزوده می شد . در این میان دختران در مرتبه ای فروتر از پسران انگاشته می شدند . همچنان که اجازه قضاوت , شهادت در محاکم یا گزینش بیش از یک همسر را نداشتند , با این حال ایشان نیز خواندن تورات را می آموختند.

سوء استفاده از کودکان

انواع سوء استفاده از کودک

پدیده سو استفاده از کودک را در سه مقوله زیر طبقه بندی می کنند :

۱ -سوء استفاده فیزیکی یا جسمانی

۲- سوء استفاده روانی یا معنوی

۳- سوء استفاده جمعی یا گروهی

۴- سوء استفاده جسمانی یا فیزیکی

مصادیق بارز آن کتک زدن شامل نواختن سیلی به صورت، مشتش و لگد، گاز گرفتن، زدن تا حد بیهوشی، سوزاندن با آتش سیگار یا شیء داغ، شکستن اعضای بدن و در یک مورد گذاشتن کودک در ماشین لباسشویی می باشد.

انواع سوء استفاده جنسی

۱- سوء استفاده مستلزم تماس با قربانی

۲- سوء استفاده مستلزم عدم تماس با قربانی

راهکارهای پیشگیری از سوء استفاده جنسی

راهکارهای پیشگیری از سوء استفاده جنسی بر سه محور استوار است.

۱- باز پروری بزهکاری جنسی به این امید که از ارتکاب مجدد جرم توسط آنان جلوگیری شود

۲- آموزش کودکان نسبت به موارد ایمنی برای درک خطر احتمالی و نحوه حفاظت از خود در برابر خطر و اینکه بدانند در مورد عدم ایمنی چه باید بکنند.

۳- آموزش والدین، معلمان و آموزش های اجتماعی از طریق رسانه های گروهی درباره روش های ایمنی پرورش کودکان و تشخیص موارد سوء استفاده احتمالی.

وضعیت اقتصادی خانواده های کودک آزار

بر آوردها نشان می دهد که در خانواده کودک آزار معمولاً پدر خانواده یا کارگر دستی است و یا بیکار است. این نظر کلی در اغلب کشورها دیده می شود. خصوصیات کلی والدین کودک آزار را می توان چنین خلاصه کرد:

۱- تنها یا به همراه یک همخانه زندگی میکنند.

۲- بیکار هستند .

۳- در سطح اجتماعی و اقتصادی پایینی قرار دارند .

۴- کم سواد هستند.

۵- در سنین کم مثلا دوران نوجوانی دارای قربانی آزار شده اند.

۶- دارای سوء پیشینه کیفری هستند .

برخی آسیب های فیزیکی نظیر کوری جنبه داءمی دارند . ولی پاره ای دیگر نظیر کبودی در بدن کودکان به سرعت التیام می یابد . اما اثرات روانشناختی آن در کودکان باقی می ماند.

ویژگی های روانشناختی کودکان آزار دیده

بدون شک کودکان آزار دیده ناهنجاری های رفتاری و احساسی دارند . ولی همه این ناهنجاری ها یکسان نیستند . رفتار خشونت آمیز یکی از بارزه های این قبیل کودکان است . اما همواره در مورد همه کودکان آزار دیده صادق نیست . ناسازگاری در روابط زناشویی آتی یکی دیگر از موارد شایع در میان پسرانی است که در کودکی مورد آزار واقع شده اند . ناتوانی در ایجاد روابط اجتماعی ، مشکل یادگیری و انطباق با محیط کار و انجام وظایف از دیگر خصوصیات مشاهده شده در این کودکان است .

انواع سوء استفاده معنوی

برای سوء استفاده معنوی از کودک مصادیق زیر را شمرده اند :

۱- تحقیر دائمی کودک و آزار او با کلمات

۲- سردی عاطفی نسبت به کودک ، دوری جستن از او و طرد او از طرف یکی از والدین یا هر دوی ایشان یا کسی که عهده دار سر پرستی کودک است .

۳- تناقض در رسیدگی به نیازهای کودک ، در این موارد پدر و مادر یا بسیار بی توجه هستند ، یابه شکلی منفی به نیازهای کودک بیش از حد توجه می کنند .

۴- داشتن توقعاتی از کودک که از حد توانایی های او بسیار زیادتر است که یا آن که اعتماد به نفس کودک را متزلزل کرده یا از میان می برد .

۵- قرار گرفتن کودک در معرض دعوای خانوادگی به طور مکرر

۶- بی عدالتی در انضباط و تنبیه کودک

۷- رفتار نامنصفانه در اینکه کودک را سپر بلای دیگری قرار دهند .

۸- تهدید به اعمال خشونت و اقداماتی برای ترساندن کودک.

ازدواج های اجباری

یکی از مصادیق استثمار کودکان وادار ساختن آنان به ازدواج های اجباری است که علی الظاهر نام ازدواج دارد ولی در واقع نوعی تجارت کودک به عنوان برده جنسی است . این پدیده به ویژه در کشور های جهان سوم و جوامع مذهبی متعصب در افغانستان و عربستان سعودی دیده می شود.

در این باره در سطح بین المللی ، کنوانسیون رضایت به ازدواج ، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج ها مصوب ۱۹۶۲ که از ۹ دسامبر ۱۹۶۴ لازم الاجراء گشت ، مقرر می دارد بدون رضایت آزادانه طرفین هیچ ازدواجی نباید صورت بگیرد . چنین رضایتی باید شخصا و علنا در برابر مقام مسؤل به موجب قانون ملی، ابراز شود . دولت های عضو باید قوانین ملی خود را درباره تعیین حداقل سن ازدواج به طور هماهنگ وضع نمایند .علاوه بر این ها ، کلیه ازدواج ها باید به ثبت برسند.پس از آن مجمع عمومی طی توصیه نامه ای با نام توصیه نامه در باره رضایت به ازدواج ، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج ها در سال ۱۹۶۵ به کشور های عضو توصیه نمود که حداقل سن ازدواج باید ۱۵ سال باشد و هیچ ازدواجی نباید زیر این سن صورت گیرد .مگر در مواردی که مقام صالح بنا به دلایل جدی وبه صرفه و صلاح طرفین ازدواج ، نسبت به این سن اعطای معافیت بنماید .

در حقوق ایران طبق بند (الف) ماده (۱) قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ خارج ساختن یا وارد نمودن یا ترانزیت فرد یا افرادی از جمله به قصد ازدواج هم از مصادیق جرم قاچاق انسان و قابل مجازات دانسته شده است . همچنین در حقوق ایران می توان از نظر

مسئولیت مدنی از عموم و اطلاق ماده (۹) قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷/۲/۱۳۳۹ در باره پی آمدهای حقوقی ازدواج اجباری استفاده کرد. این ماده مقرر می دارد : دختری که در اثر اعمال حلیه یا تهدید و یا سوء استفاده از زیر دست بودن حاضر برای همخوابگی نامشروع شده می تواند از مرتکب علاوه از زیان مادی , مطالبه زیان معنوی هم بنماید .

کودک کار

حداقل سن کار در حقوق بین المللی

در سال ۱۹۵۶ کنوانسیون تکمیلی درباره لغو بردگی , تجارت برده و نهادها و اعمال مشابه بردگی منعقد گردید که از ۳۰ آوریل ۱۹۵۷ لازم الاجراء شد . این سند در بند (د) از ماده (۱) خود مقرر می دارد : هر نهاد یا کاری که به موجب آن یک کودک یا شخص جوان زیر هجده سال از سوی یکی از والدینش یا هر دوی آنان و یا سرپرست قانونی خود به شخص دیگری تحویل داده شود , خواه در ازای عوض باشد یا نه , به منظور بهره برداری از کودک یا شخص جوان یا استفاده از کار او ممنوع است .

اعلامیه ۱۹۵۹ حقوق کودک استخدام کودکان را قبل از رسیدن به سن خاص ممنوع کرد و اشتغال کودک را به کارهای که برای تندرستی او زیان آور است یا آموزش او را تحت الشعاع قرار می دهد , یا با رشد جسمانی , روانی یا اخلاقی او منافات داشته باشد , تحت هر شرایطی ممنوع اعلام است .

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی , اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ هم در بند (۳) از ماده (۱۰) خود مقرر می دارد : کودکان و اشخاص جوان باید در برابر استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند . استخدام آنها در کاری که برای معنویات یا تندرستی آنان زیان آور باشد , یا برای زندگی آنان خطرناک باشد یا مانع از رشد طبیعی آنان شود , باید به موجب قانون قابل مجازات باشد . نیز دولت ها باید محدودیت سنی برای استخدام کودکان قائل شوند و استخدام منجر به پرداخت پول زیر آن سن خاص باید به موجب قانون ممنوع و قابل مجازات باشد .

مفاد پیمانی جهانی حقوق کودک

ماده ۱. تعریف کودک:

کودک کسی است که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد.

ماده ۲. منع تبعیض:

حقوق این پیمان بدون استثنای متعلق به همه کودکان است و دولت ها باید کودکان را در برابر هر گونه تبعیض ، حمایت کنند.

ماده ۳. منافع کودک: در هر اقدامی باید منافع عالیه کودک در نظر گرفته شود و در صورتی که والدین یا سرپرستان کودک در این زمینه کوتاهی کنند، دولت ها باید حمایت و مراقبت های لازم را از کودکان عمل آورند. ماده ۴. تحقق حقوق کودک:

دولت ها باید در راه اجرای پیمان حقوق کودک بیشترین تلاش خود را به کار ببندند.

ماده ۵. سرپرستی والدین

دولت ها باید حقوق و مسئولیت های والدین یا کسی که سرپرستی کودک به عهده او می باشد را در ارتباط با پرورش کودک، محترم شمارند.

ماده ۱. بقاء و پیشرفت:

هر کودک دارای حق طبیعی زندگی است و دولت ها باید زندگی، بقاء و رشد کودک را تضمین کنند.

ماده ۷. نام و ملیت:

هر کودک حق دارد از نام و ملیت مشخص، برخوردار شود.

ماده ۸. هویت کودک:

دولت ها باید از هویت کودک که شامل نام، ملیت و پیوندهای خانوادگی او می شود، حمایت کنند.

ماده ۹. جدایی از والدین:

کودک حق دارد که با والدین خود زندگی کند و نمی توان او را اجبار از پدر و مادر او جدا کرد
مگر این که این امر، به
سود او باشد.

ماده ۱۰. پیوستن به خانواده:

کودکان و والدین آن ها حق دارند به منظور ملحق شدن به یکدیگر، کشوری را ترک کنند و یا
دوباره به کشور خود بازگردند.

ماده ۱۱: منع انتقال غیر قانونی کودک:

دولت ها باید از انتقال غیر قانونی کودکان به وسیله پدر و مادر یا افراد دیگر به سایر کشورها،
ممانعت کنند.

ماده ۱۲. آزادی عقیده کودک:

کودک، مشتق دارد در مواردی که به زندگی اش مربوط می شود، آزادانه عقیده خود را بیان
کند.

ماده ۱۳. آزادی بیان کودک:

کودک حق دارد عقاید خود را بیان کند و بدون توجه به مرزهای کسب اطلاعات نماید.

ماده ۱۴. آزادی اندیشه و مذهب:

دولت ها باید آزادی اندیشه و مذهب کودک و حق هدایت کودک توسط والدین خود را محترم
بشمارند.

ماده ۱۵. آزادی اجتماعی

کودکان حق دارند که با یکدیگر ارتباط داشته باشند و تشکیل اجتماعات دهند.

ماده ۱۶. حفظ کریم کودک:

امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات کودکان باید در برابر هر نوع دخالت، بی حرمتی و افترا، محافظت شود.

ماده ۱۷. دسترسی به اطلاعات مناسب: دولت ها باید امکان دسترسی کودکان به اطلاعات مناسب را تضمین کنند و در محافظت آنان در برابر اطلاعات زیان آور بکوشند.

ماده ۱۸. مسئولیت والدین

پدر و مادر در رشد و پرورش کودکان مسئولیت مشترک دارند و دولت ها باید در این امر به آنان کمک کنند.

ماده ۱۹. منع بد رفتاری با کودک:

دولت ها موظف هستند کودک را از هر نوع بد رفتاری والدین یا سرپرستان دیگر محافظت کنند و برای جلوگیری از هر نوع سوء استفاده از کودک، اقدامات مناسب اجتماعی را انجام دهند.

ماده ۲۰. کودکان بی سرپرست:

دولت ها باید به کودکان محروم از خانواده کمک کنند و جایگزین مناسبی برای آنان تعیین نمایند. ماده ۲۱. فرزند خواندگی

در کشورهایی که نظام فرزند خواندگی وجود دارد، این امر باید با توجه به منافع عالیه کودک و با کمک مقامات ذی صلاح انجام گیرد.

ماده ۲۲. کودکان پناهنده:

دولت باید با همکاری سازمان های ذی صلاح، کودکان پناهنده یا پناه جو را مورد حمایت قرار دهند.

ماده ۲۳. کودکان معلول: کودکان معلول برای برخورداری از یک زندگی مناسب، به آموزش، پرورش و مراقبت ویژه نیاز دارند.

ماده ۲۴. خدمات بهداشتی:

کودکان حق دارند از بالاترین سطح بهداشت و خدمات پزشکی برخوردار شوند. دولت ها باید بر گسترش مراقبت ها و آموزش های همگانی بهداشتی، توجه خاص مبذول دارند.

ماده ۲۵. بررسی موقعیت کودک:

وضع کودکی که از طرف دولت به افراد یا خانواده ها سپرده می شود، باید مورد ارزیابی منظم قرار گیرد.

ماده ۲۹. تامین اجتماعی:

هر کودک حق دارد از تامین اجتماعی، از جمله بیمه اجتماعی برخوردار شود.

ماده ۲۷. سطح زندگی

هر کودک حق دارد از سطحی از زندگی برخوردار شود که رشد جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی او را تامین نماید.

ماده ۲۸. آموزش و پرورش:

حق هر کودک است و دولت ها باید امکان آموزش ابتدایی رایگان و اجباری را برای برخوردارانی از آموزش و پرورش همگان فراهم آورند.

ماده ۲۹. آموزش ارزش ها:

هدف آموزش و پرورش باید رشد شخصیت و توانایی کودک به کامل ترین صورت باشد و کودک را برای زندگی فعال در یک جامعه آزاد آماده سازد.

ماده ۳۰: کودکان اقلیت های قومی و مذهبی

کودکان اقلیت های قومی و مذهبی حق برخوردارانی از فرهنگی خود و انجام اعمال مذهبی و تکلم به زبان خویش را دار

ماده ۳۱. بازی و فعالیت های فرهنگی

کودک حق بازی، تفریح و مشارکت در فعالیت های فرهنگی و هنری را دارد.

ماده ۳۲. کار کودکان

کودک باید در برابر کاری که رشد و سلامت او را تهدید می کند، حمایت شود. دولت ها باید حداقل سن کار و شرایط کار کودکان را مشخص کنند.

ماده ۳۳. مواد مخدر:

کودکان باید در مقابل استفاده از مواد مخدر و شرکت در تولید و توزیع آن، محافظت شوند.

ماده ۳۴. سوء استفاده جنسی

دولت ها باید کودکان را در برابر هر نوع سوء استفاده جنسی مورد حمایت قرار دهند.

ماده ۳۵. خرید و فروش کودک :

دولت ها باید اقدامات لازم را برای جلوگیری از خرید و فروش و ربوده شدن کودکان به عمل آورند.

ماده ۳۶. دیگر شکل های استثمار:

کودک باید در مقابل هر گونه استثمار که سلامت و رشد او را به مخاطره می اندازد، مورد حمایت و محافظت قرار گیرد.

ماده ۳۷. منع شکنجه:

هیچ کودکی نباید مورد شکنجه، رفتار ستمگرانه و بازداشت غیر قانونی قرار گیرد. مجازات اعدام و حبس ابد در مورد خلاف کارهای کودکان زیر ۱۸ سال ممنوع است.

«موفق و پیروز باشید»